

یادداشت روز

جایزه دولت آبادی سر آغاز طلسم‌شکنی



حافظ موسوی شاعر

● دریافت جایزه ادبی «بان میخالسکی» سوییس را به محمود دولت‌آبادی و جامعه ادبی ایران تبریک می‌گویم. ادبیات ایران سال‌ها منتظر دریافت یک جایزه مهم بود، این جایزه حتی می‌تولست «نوبل» هم باشد. گرفتن این جایزه با توجه به بازتاب‌های بین‌المللی قطعا برای معرفی ادبیات معاصر ایران موثر خواهد بود. وقتی به ادبیات کشور‌های منطقه مانند عرب‌ها، ترکیه یا آمریکای لاتین نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که آثار آنها از س‌وی اهالی ادبیات و نهادهای فرهنگی قدرتمند درون همان کشور مورد حمایت قرار می‌گیرد اما در ایران، نهادهای دلسوزی که برای معرفی آثار نویسندگان و شاعران ایرانی در عرصه بین‌المللی فعالیت کنند، نداریم. اهالی ادبیات هم نسبت به یکدیگر توجه چندانی ندارند. وقتی آثار کسانی که جوایز بین‌المللی معتبر ادبیات را از آن خود کرده‌اند، بررسی کنیم، متوجه می‌شویم یکی از ویژگی‌های مشترک این آثار، این است که رنگ‌وبویی از آن جلعه دارند اما مساله‌ای که باعث شده، ادبیات ایران نتواند حضور گسترده‌ای در عرصه بین‌المللی داشته‌باشد، این است که بیشتر آثار دچار فقر محتوا و در گیربودن در فرم و تکنیک هستند. با این حال، آثار محمود دولت‌آبادی هم تصویرگر وضعیت اجتماعی، زندگی و فرهنگ ایران است مثلا وقتی خواننده‌های غربی رمان «کلنل» را می‌خوانند، می‌توانند با اتفاقی‌های درونی جامعه ایران آشنا شوند به‌خصوص که آنها طی ۲۰، ۳۰سال اخیر مدام در معرض اخبار ضدونقیض از ایران بوده‌اند و با خواندن این رمان با تصویری از درون کشورمان روبه‌رو می‌شوند که واقعی‌تر و معنادارتر است. وقتی آثاری از نویسندگان ایرانی مانند دولت‌آبادی جوایز بین‌المللی می‌گیرند، زمینه‌ای برای ترجمه کتاب‌هایشان فراهم می‌شود و آنانی که درباره ایران کنجکاو هستند، با خواندن این آثار چهره‌ای از فرهنگ و جامعه ایران را به دست می‌آورند منتها بخشی از اینکه یک رمان مانند کلنل، بعد از کسب جایزه بتواند به‌خوبی معرفی شود به اینکه چه کسی آن را ترجمه می‌کند، برمی‌گردد. به‌هرحال، امیدوارم این جایزه بتواند سرآغازی باشد برای اینکه این طلسم شکسته شود و ادبیات معاصر ایران در جهان بیشتر شناخته شود.

هفت‌جهان

رکورد ۱۴۲میلیون دلاری «بیکن» در حراج «کریستیز»

بلندتر از «جیغ»

نیما توسلی

● نقاشی سلطنتای «فرانسیس بیکن» در حراج سه‌شنبه کریستیز، به‌عنوان گران‌ترین اثر هنری که تاکنون در این حراج و به‌طور کلی در تاریخ حراج‌های هنر جهان به فروش رفته، دست یافت. این نقاشی که «ولیم آگولولا، واسطه آثار هنری آن را عرضه کرد، موفق شد به قیمت ۴۲میلیون دلار به فروش برسد. قیمت تخمین‌زده‌شده برای این اثر، بیش از ۸۵میلیون دلار بود. تا پیش از این، نقاشی «جیغ» اثر ادوارد مونش که توانسته بود سال گذشته به قیمت ۱۱۹میلیون دلار در حراج سائیتز به فروش برسد، این رکورد را در اختیار داشت. این نقاشی به‌صورت سحاب ترسیم شده و موضوع آن مربوط به چهره دوست و همراه

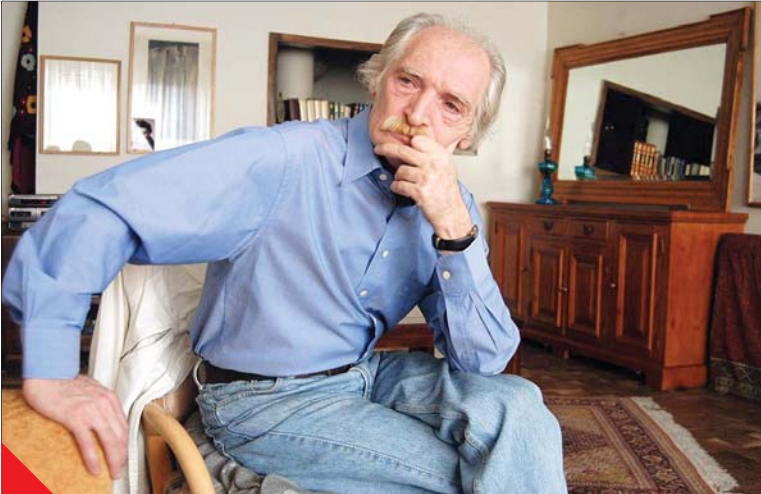


قدیمی این هنرمند یعنی «لوسین فروید» می‌شود و در سال ۱۹۶۹ ترسیم شده است. در این نقاشی، لوسین فروید در حالی که روی یک صندلی چوبی نشسته در سه تابلوی جداگانه اما مرتبط به هم و از زوایایی مختلف به تصویر کشیده شده و پس‌زمینه‌ای نارنجی دارد. کریستیز، نام این خریدار را به‌طور رسمی اعلام نکرده، چراکه این خرید در پی رقابتی فزاینده بین هفت خریدار سرشناس و آینده‌ساز بازار هنر صورت گرفته و خریدار موفق شده تنها شش دقیقه بعد از شروع مزایده آن را از پشت تلفن خریداری کند. یوسی بیلکان، رییس و مسوول کریستیز در اروپا که در عین حال مسوول این حراج نیز بود، این فروش موفق را نه‌تنها به‌عنوان رکورد می‌داند، بلکه از آن به‌عنوان گرایشی روبه‌رشد از سوی تعداد وسیعی از مشتریان سرتاسر جهان برای خرید آثار هنری یاد می‌کند. از جمله، مجموعه‌دارانی از ۴۲ملیت جداگانه که در حراج ثبت‌نام کردند. او به روتنر گفت: «طی سه، چهار سال گذشته، بازار هنر بزرگ مدرن به بازار جهانی تبدیل شده است»، او همچنین افزود رکورد فروش در ماه می «نشانه‌ای برای مجموعه‌داران آثار شاهکار محسوب می‌شود مقامات حراج به این موضوع توجه داشته‌اند که مجموعه‌داران جدید با جیب‌های پرپول از سرتاسر جهان قیمت‌ها را برای آثار رده بالا افزایش می‌دهند تا سطح رکورد را جابه‌جا کنند، و نتایج شطب سه‌شنبه به‌نظر می‌رسد که در این راستا بوده است.» با این فروش، کریستیز موفق شد رکورد تازماری در مجموع فروش خود به ثبت برساند؛ به‌طوری که کل فروش کریستیز در این شب به ۶۱میلیون دلار رسید که طبق اظهارنظر مسوولان کریستیز، بالاترین رقمی است که تاکنون در تاریخ حراج آثار هنری در این موسسه به‌دست آمده است.

مدال جایزه «میخالسکی» بر سینه «کلنل»

دولت‌آبادی: فلسفه من، مقابله نیست، نوشتن است

شیمیا بهر‌مند



عکس: فرهاد یارو

روایت دولت‌آبادی از مراسم دریافت جایزه

از هیات داوران بنیاد میخیلیسکی و مدیر بنیاد (بانو میخیلیسکی) و ناشران آژارش در اروپا و آمریکا با ادای احترام به نویسندگانی چون هرمان هسه، کافکا، شکسپیر و ویلیام فاگنر قدرشناسی می‌کنم. سخنانم را در مراسم اهدای این جایزه با بییتی از حافظ، یک سروده قدیمی ایرانی در ستایش زندگی (زمین، زن، آب‌ها و باروری) آغاز کردم و عطف توجه به اندیشه ایرانی در اسطوره و تاریخ، بدیهی است. طنین و موسیقی زبان پارسی مثل همیشه بیننده – شنوندگان را نسبت به زبان زیبای مادری‌ام به تحسین واداشت.

که در سال‌های ۶۲ تا ۶۴ نوشته شد و در طول دو دهه، محتوای آن بازنگری شده، روایت زندگی یک سرهنگ وطن‌دوست است که پنج فرزند دارد و هر پنج فرزندش در جریان انقلاب ایران به یک حزب و یک گروه سیاسی می‌پیوندند و به‌نوعی روایتی است از سال‌های اول انقلاب در ایران. این رمان به‌لحاظ تکنیک و داستان نیز از آثار متفاوت این نویسنده است. دولت‌آبادی خود در این‌باره پیش‌تر به «شرق» گفته است: «گفته‌اند نویسنده «کلنل» روایت دیگری از قبل و بعد از انقلاب دارد. من این گفته را تصدیق می‌کنم و تاوان روایتی دیگر داشتن را در تمام این سال‌ها پرداختام که کمترین نمونه آن، این سال‌ها نخستن یا نشانه‌شدن در خانه است.» نویسنده همچنان می‌نویسد. با این اسلوب همیشگی که «فلسفه من، روش کار من، مقابله نیست، می‌خواهم به نوشتن ادامه دهم و همچنان رمان‌نویسی باشم

که در اینجا در وطن زندگی می‌کند و می‌نویسد.» و ما همچنان می‌نویسیم خبرهای تازه «کلنل» را و دوره می‌کنیم قصه ناتمام انتشار این رمان را، رمانی که نوشته شده و هنوز اینجا‌خولده نشده است...

تکه‌ای از «زوال کلنل»

جوانی که کلنل را به یاد محمدتقی می‌انداخت – یا اینکه مرد می‌خواست چنین باشد – تاب نیاورد، برخاست و مقابل قاب‌عکس بزرگ کلنل چشم در چشم عکس محمدتقی دوخت و لحظه‌هایی طولانی به همان حال باقی ماند در حالی که کلاه متصل به کاپشنش روی تخت شانه‌هایش آویخته مانده بود و این یکی که به گمان کلنل چهره و قوای‌های مثل مسعود داشت همچنان‌رو به او نشست و آرنج‌هایش را روی میز گذاشته و دست‌هایش را بر هم چلیپا کرده بود و داشت به جایی، شاید به آن قسمت نخ‌ماشده

رومیزی قرمز قدیمی نگاه می‌کرد و هنوز خاموش بود. «جوانی... جوانی... شخص جوان انگار فطرتا محجوب آفریده شده، اما در وجودش قدرت و استعداد غریبی هست که با سرعت کم‌نظیری می‌تواند او را تبدیل به یکی از وقیح‌ترین جانوران روی زمین بکند. جانوری که در طول تاریخ از هیچ کار و از هیچ رفتار جنایت‌باری ابا و پروا نداشته باشد. شاید با وقوف و اتکا به همین قابلیت است که همیشه مهیب‌ترین جنایات تاریخ برعهده او گذاشته می‌شود. سفارشی که جوان بارها و بارها موفقیت خود را در انجام آن ثابت کرده است. چه کار و پیشه‌ای! لیکن... ما چه؟ ما که بی‌خواسته و به‌خواسته نواله‌های خمیر را این‌جور به کوچه می‌فرستیم تا به‌صورت دستمایه‌هایی در اختیار اولین دلال‌های شقاوت قرار گیرند و منتظر می‌مانیم تا نواله‌ای که از دست خود ما قاپیده شده به مثل شمشیری به سوی خودمان برگردانیده شود؟»

– محمدتقی من سال اول پزشکی بودم...

– می‌شناختمش... من می‌شناختمش...

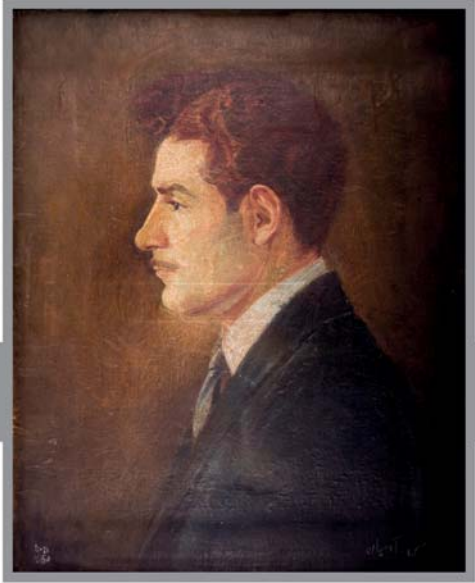
شاید نه چنان حرفی زده و نه چنان جوابی شنیده شده بود. اما کلنل از حس خود و از حالت و قواره ایستاده جوانک چنین استنباط کرد و اینطور فهمید که او پسرش را می‌شناخته است. دلش می‌خواست اطمینان داشته‌باشد که او محمدتقی را می‌شناخته، اگرچه گمان نمی‌رفت که شناخته یا نشناخته مانندن محمدتقی تغییری بدهد در آن اتفاقی که در پیش بود و معلوم نبود که چیست. همین‌قدر بود که برای یک لحظه کوتاه و زودگذر حواس کلنل را متوجه جای و چیز دیگری می‌کرد و به بی‌راهه می‌برد، البته به بیراهه نه از راه، بلکه از گردابی که کلنل در آن به دور خود، گیج‌گیج می‌چرخید.

«مثل خود محمدتقی بی تاب است.»

برای همین بود که لایند بیشتر در مقابل عکس محمدتقی تاب نیاورد و کلنل فکر نمی‌کرد که ممکن است آن جوان در مقابل عکس پروانه درنگ کرده باشند. نه، آمد نشست و به صفحه ساعت مچی‌اش نگاه کرد و سپس رو کرد به ریفش و به نظر کلنل رسید که او نگران گذر زمان باید باشد. چون وقت داشت می‌گشت و هنوز چیزی روشن نشده بود و آنها اگر نگران وقت بودند کلنل نگران ابله‌ای بود که در همه لحظات و در جزء-جزء رفتارشان، رفتار «اذکی ناشیانه» احساس می‌کرد، از آنکه هنوز نمی‌دانست قرار است که ضربه به کجایش وارد بشود؛ فقط حس می‌کرد که باید به انتظار ضربه باشد و در همین انتظار بود.

LEON
Since 1960

خاص بودن رویا نیست.



Oil Painting of Mr. Leon, founder of Leon restaurants by Ms. Sedik Adamian (1950)
نقاشی رنگ و روغن از آقای لنون مؤسس رستوران لنون توسط خانم سدیک آدامیان (۱۹۵۰)
رستوران لنون درسال ۱۹۶۰ میلادی در تهران، خیابان آبان جنوبی تأسیس گردید و هم اکنون با داشتن دو شعبه دیگر (فرشته - سام سنتر و نیاوران) با مدیریت همان خانواده به فعالیت خود ادامه می دهد.

رزرو کنید.

خبرسازان

فرهادی، مکری و جواهریان نامزدهای اسکار آسیایی

● شرق: اصغر فرهادی، شهرام مکری و نگار جواهریان به‌عنوان نمایندگان سینمای ایران در فهرست نامزدهای هفتمین دوره جایزه سینمایی آسیا و پاسیفیک (آپسا) قرار گرفتند. مراسم اعلام برگزیدگان هفتمین دوره جایزه سینمایی آسیا و پاسیفیک (آپسا) به ریاست شیم بنگال، کارگردان هندی و کیم یانه‌یونگ، کارگردان کره‌ای، مالایی فونسکا بازیگر زن سریلانکایی، تامر لاملنت لمنت، بازیگر مرد ترکیه‌ای، کریستف شوب، تهیه‌کننده سویسی و آلبرت لی، تهیه‌کننده هنگ‌کنگی ۲۱اثر سال جاری در برسیبین برگزار می‌شود که از سینمای ایران نیز می‌توان به حضور اصغر فرهادی، شهرام مکری و نگار جواهریان در میان نامزدها اشاره کرد. به گزارش ایسنا، فیلم‌های گذشته به کارگردانی اصغر فرهادی از ایران، مثل پدر، مثل پسر از زاین، عمر از فلسطین، تلویزیون از بنگلادش و برگشت از استرالیا، با تسو، بدون تو از سریلانکا نامزدهای بهترین فیلم هستند. در بخش بهترین کارگردانی نیز شهرام مکرری با فیلم «ماهی و گربه»، آنتونی چن از سنگاپور با فیلم «ایلو ایلوو»، امیر باگزین از قزاقستان

با فیلم «درس‌های ماهانگی»، هنر سلیم از عراق با فیلم «سرزمین فلفل شیرین من» و هیروکازو گوره ادا از ژاپن با فیلم «مثل پدر، مثل پسر» نامزد شده‌اند. البته فیلم «ماهی و گربه» نامزد جایزه «نتیک» نیز هست. این بخش تنها جایزه نقدی آپسا است و به فیلم ساخته اول با دوم یک سینماگر مستعد آسیایی تعلق می‌گیرد که مبلغی بالغ بر ۱۰ هزار دلار است. همچنین فیلم «گذشته» اصغر فرهادی یکی دیگر از نامزدهای بخش فیلمنامه است که با دنیس اوسوئین برای اثر «همسران ملکوتی مرتع ماری» از روسیه، مصطفی سرور فرخی و آنیسول حقه برای فیلم «تلویزیون» از بنگلادش، دیتش باترا برای اثر «جعبه ناهار» از هند، فرانسه، آلمان و لووی بن حاجی ساری برای فیلم «کار احفانه آلمار» از مالتزی رقابت می‌کند. نگار جواهریان برای فیلم «حوض نقاشی»، دیگر نماینده سینمای ایران در بخش بهترین بازیگر زن است. عایشه داگاجی برای فیلم «بوزگات» از بلوز-ترکیه، گلشیفته فراهانی برای فیلم «سرزمین فلفل شیرین من»، از کردستان عراق، فرانسه، آلمان، ویریماکو بلاک برای فیلم «دروغ‌های مصلحتی» از نیوزلند و ژانگزی‌بی برای اثر استاد از چین نامزدهای این بخش هستند.

نیاوران: خیابان دکتر باهنر (نیاوران)
قبل از دوراهی دزاشیب
تلفن : ۰۰۲۲۲۲۴۰۰-۰۰۲۲۲۲۴۰۰

آبان جنوبی: خیابان کریم خان زند
خیابان آبان جنوبی، نبش چهارراه ورشو
تلفن: ۰۰۸۸۹۰۴۶۲۵-۰۰۸۸۹۰۳۴۲

www.leon1960.com

